

♦ سهراب یزدانی ♦

اجتماعیون عامیون

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرشناسه: یزدانی، سهراب، ۱۳۸۸ -
عنوان و نام پدیدآور: اجتماعيون عاميون / سهراب یزدانی
مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهري: ۳۰۹ ص.
شابک: 978-964-185-204-9
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه: ص ۲۹۴-۲۸۵؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع: حزب اجتماعيون عاميون ایران؛ حزب‌های سیاسی-ایران- تاریخ
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ی ۴ ۱۷۸۹ / ۱۷۹۵ JQ
رده‌بندی دیویی: ۳۲۴/۲۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۴۳۹۲۲



کتابخانه ملی

اجتماعیون عامیون
دکتر سهراب یزدانی
دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی

نماینده ساز فرزانه طاهری
چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱
تعداد ۱۰۰۰ نسخه
قیمت ۹۸۰۰ تومان
لیتوگرافی غزال
چاپ غزال
ناظر چاپ بهمن سراج

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۹ ۲۰۴ ۱۸۵ ۹۶۴ ۹۷۸

www.nashreney.com

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۳	فصل یکم: تاریخ پردازی فرقه اجتماعیون عامیون
۴۱	فصل دوم: سازمان های انقلابی روسیه
۶۷	فصل سوم: صحنه قفقاز
۹۷	فصل چهارم: پایه گذاری فرقه اجتماعیون عامیون
۱۲۷	فصل پنجم: گستره ایران
۱۶۳	فصل ششم: برنامه و ساختار فرقه اجتماعیون عامیون
۱۹۵	فصل هفتم: بنیادهای اندیشه
۲۲۷	فصل هشتم: پیکار سیاسی
۲۷۵	فصل نهم: سرنوشت اجتماعیون
۲۸۵	گزیده منابع
۲۹۵	نمایه

پیشگفتار

خواننده گرامی، سی و خورده ای سال است که من با تاریخ فرقه اجتماعیون عامیون آشنا هستم. بیست و پنج سال نیز می شود که در دانشگاه های مختلف کشور، در میان درس هایی که ارائه کرده ام، از اجتماعیون سخن گفته ام. تا مدتی آن چه را که در نوشته های تاریخی خواننده و پذیرفته بودم، بازگو می کردم. نوشته ها چنین تصویری می آفریدند: حزب سوسیال دموکرات روسیه به منظور کار سیاسی در میان کارگران مسلمان قفقاز، سازمان همت را به وجود آورد. همت، به نوبه خود، فرقه اجتماعیون عامیون را در قفقاز بنیان نهاد تا کارگران مهاجر ایرانی را متشکل سازد. بر این زمینه چینی ها، فرض می شد که فرقه اجتماعیون از طریق سازمان همت با سوسیال دموکراسی روسیه، و به طور خاص با جناح بلشویک، پیوند داشته و در حقیقت شاخه ای از آن بوده است. این روایت تاریخی دنباله ای هم داشت. گفته می شد که فرقه اجتماعیون عامیون شعبه هایی در چند شهر ایران تأسیس کرد و آن ها را زیر نظر خود گرفت. شعبه های درون کشور فعالیت خود را به رأی و صلاح دید مرکز قفقاز سامان می دادند. به این ترتیب، اجتماعیون عامیون حزبی متمرکز و منضبط، برخوردار از تفکر سوسیالیستی و هم پیوند با جنبش سوسیال دموکراسی روسیه شمرده می شد.

نخستين ترديد‌ها در اعتبار اين روايت هنگامي به ذهنم راه يافت که سرگرم پژوهش دربارهٔ هفته‌نامهٔ صوراسرافيل بودم. گردانندگان صوراسرافيل در جرگهٔ اجتماعيون تهران بودند و باور فکري آن‌ها خواه‌ناخواه مي‌بايست در نشر بيان نمود يابند. اما مطالب آن هفته‌نامه ريطي به باورهاي سوسيال دموکراتيک نداشت. حتي گاه مخالف اندیشه‌هاي رايج در جنبش سوسياليستي، نه تنها روسي بلکه اروپايي هم، بود. بازخواني منابع مربوط به اجتماعيون قانم کرد که داوري‌هاي سرسري، جمل و تحريف‌ها، و غفلت‌هاي عمدي يا زودباورانه بر تاريخ اين فرقه سايه انداخته است. براي برانگيختن کنجکاري در استواري روايت موجود، يافته‌ها و نظر خود دربارهٔ اجتماعيون را در دو کتاب به‌طور خلاصه شرح دادم و در دو همایش - يکي داخلي، ديگري خارجي - در همين مورد صحبت کردم.

در اين دفتر با تفصيل از فرقهٔ اجتماعيون عاميون سخن مي‌گويم. برداشت من از سازمان اجتماعيون همين است که در اختيار خواننده مي‌گذارم. اما نوشتهٔ خود را، در شکل کنوني‌اش، پيش از طرحي اوليه نمي‌دانم و معتقدم که شناخت اجتماعيون نيازمند واکاوي عميق‌تر و تفصيل‌تر از اين‌هاست. در حال حاضر، حجم نادانسته‌هاي ما دربارهٔ اين موضوع تاريخي بر دانسته‌ها مي‌چربد. مي‌توان اميد داشت که در آينده اسناد و مدارک جديد از مخزن‌هاي رسمي و غيررسمي بيرون يابند و منابع تازه در دسترس پژوهندگان قرار بگيرد. در آن صورت، چشم‌اندازي پردامنه بر تکاپوي اولين حزب سياسي ايران گشوده خواهد شد. ما در علوم انساني آموخته‌ايم تا زماني که امکان کار پژوهشي جامع فراهم نيامده است، بر پايهٔ داده‌هاي موجود سخن بگويم. آيندگان بر آن خواهند افزود و مرزهاي شناخت را خواهند گسترود.

اين نوشته در نه فصل تنظيم شده است. فصل يکم بر شکل‌گيري تاريخ‌نويسي اجتماعيون مي‌نگرد تا نشان دهد روايت موجود را کدام ملاحظات سياسي ساخته و پرداخته‌اند و اين روايت چگونه، همراه با دگرگوني‌هاي سياسي، تغيير مي‌يافته است. البته بررسي همهٔ منابع نه ممکن

است نه منطقی. در این جا به جریان های اصلی تاریخ نگاری می نگریم که دانش ما نسبت به اجتماع یون عامیون را شکل داده اند.

فصل دوم به احزاب سیاسی روسیه نگاه می کند. پیدایش و تحول دو گرایش - یکی پوپولیستی، دیگری مازکسیستی - بررسی می شود. با سازمان بندی و شیوه کار سیاسی و اندیشه های رایج در آن گرایش ها آشنا می شویم. هدف این فصل شناخت جامع احزاب روسیه نیست. بررسی موجود محدود به مرادی است که به ما کمک می کند تا هنگام داوری درباره فرقه اجتماع یون، تفاوت های این سازمان ایرانی با جنبش سوسیالیستی روسیه را بشناسیم.

فصل سوم از قفقاز سخن می گوید. تحولات اقتصادی و دگرگونی جمعیت آن منطقه بررسی می شود. در این مبحث، چشم و چراغ صنعتی منطقه - باکو - جایگاه مهمی دارد. آشنایی با جنبش اجتماعی و حرکت های اعتصابی، محیط پرتب و تاب باکو را نشان می دهد. سپس از چگونگی تشکیل سازمان همت سخن می رود. به رابطه سازمانی و فکری همت با سوسیال دموکراسی روسیه توجه می شود. در این جا می خواهیم بدانیم که سازمان قفقازی همت تا چه حد زیر پر و بال حزب سوسیال دموکرات روسیه رشد کرد و مرز استقلال سازمانی آن تا کجا پیش می رفت.

فصل چهارم به چگونگی پایه گذاری فرقه اجتماع یون عامیون می پردازد. آن فرقه در میان ایرانیان مهاجر مقیم قفقاز پدید آمد. بنابراین، زندگی و گذران مهاجران ایرانی بررسی می شود. تا جایی که منابع یاری می دهند، از محدوده تأثیر حزب سوسیال دموکرات روسیه و سازمان همت بر ایجاد فرقه سخن می رود. آشنایی نسبی با ترکیب طبقاتی اجتماع یون نیز تا حدودی ماهیت فرقه را نشان می دهد.

فصل پنجم به گسترش سازمان اجتماع یون در ایران چشم می دوزد. شعبه های عمده در تهران، آذربایجان و گیلان بنیان گرفتند. دسته هایی نیز از قفقاز به ایران آمدند و به فعالیت پرداختند. رابطه شعبه های داخلی با

يکديگر، با گروه‌های مهاجر و با مرکز قفقاز از جمله مباحث اين فصل‌اند. به اين ترتيب، خواهيم ديد که کدام شعبه‌های درون کشور به حزب مستقر در قفقاز وابسته بودند، و کدام يک بدنه‌هایی مستقل را می‌ساختند.

در فصل ششم به مرامنامه و اساسنامه اجتماعيون می‌نگريم. هدف‌های فرقه و شکل سازمانی آن بر پایه اسناد برجامانده بررسی می‌شود. می‌خواهيم بدانيم که اسناد فرقه تحت تأثیر کدام جريان‌های حزبی و فکری تنظيم شده بودند. احزاب سیاسی روسيه و قفقاز چگونه بر شکل سازمانی و برنامه اجتماعيون تأثیر نهاده بودند.

اندیشه‌های رایج در میان اجتماعيون موضوع فصل هفتم است. در دوره مجلس اول، اجتماعيون با ابرار گوناگون به ترويج اندیشه‌ها و هدف‌های سیاسی و اجتماعی خود پرداختند. چند واعظ کوشيدند سخنان تازه را در لباس دين و سنت بپوشانند. چند روزنامه بخش‌هایی از اندیشه اجتماعيون را در دسترس خوانندگان خود گذاشتند. اما اين گام‌ها با احتیاط برداشته می‌شد و سخن‌ها پرده‌پوش بود.

می‌کوشيم بر پایه همین سخنان از اندیشه اجتماعيون سردرپياوريم، ریشه‌های اندیشه آنان را پيایم و هماهنگی یا ناهماهنگی تار و پود فکری‌شان را با جريان‌های سوسيالیستی نشان دهيم.

در فصل هشتم بر جنبه‌های گوناگون تکاپوی اجتماعيون می‌نگريم. مورخان تاکنون همه آن جنبه‌ها را نشکافته‌اند و تنها به گوشه‌هایی از فعالیت فرقه چشم دوخته‌اند. در صورتی که سازمان اجتماعيون، با همه خردی خود، راه‌های گوناگون مبارزه را می‌پیمود. نمایندگان وابسته به فرقه در مجلس شورای ملی، پرتلاش و ستیزه‌گر بودند. اجتماعيون چند انجمن سیاسی را زیر نفوذ خود داشتند. در گیلان و آذربایجان جنبش دهقانی با انگیزش آن‌ها به راه افتاد یا تقویت شد. در جاهایی هم جنبش کارگری از آنان تأثیر پذیرفت. از سوی دیگر، شعبه تهران به چند عمل تروریستی دست زد. می‌کوشيم با توجه به اين جنبه‌های متنوع، دامنه فعالیت و مبارزه اجتماعيون را نشان دهيم.

فصل کوتاه نهم نشان می‌دهد که در پی برقراری استبداد صغیر سرنوشت اجتماعیون به کجا رسید. چند شعبه از بین رفتند، چند تایی از هم جدا شدند، و شعبه‌هایی خود را با موقعیت تازه همساز کردند. سرانجام به پایان کار فرقه در دوره مجلس دوم می‌رسیم.

و حقیقه خود می‌دانم که از یاری و پشتیبانی چند دوست عزیز یاد کنم. آقای آذر ملک احمدوف (دانشجوی میهمان از جمهوری آذربایجان در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی) بخش‌هایی از یک کتاب روسی را به فارسی برگرداند. دکتر محمدعلی اکبری (دانشگاه شهید بهشتی) خاطرات چاپ‌نشده میرزا غفار زنوزی را در اختیارم گذاشت و از فرصت مطالعاتی خود مقاله‌هایی برایش به ارمغان آورد. دکتر حسن افراخته، رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه خوارزمی، امکان دسترسی به چند کتاب محفوظ در کتابخانه‌های انگلستان را فراهم ساخت. دکتر فاروق خنابابی (دانشگاه گیلان) اعلامیه‌های اجتماعیون و بخش‌هایی از خاطرات چاپ‌نشده میرزا ابوالقاسم محمودزاده را به من سپرد. ادوارد ملیکوف کتاب‌ها و مقاله‌هایی را از خارج کشور تهیه کرد. برخورد صمیمانه و بردبارانه دست‌اندرکاران نشرنی را نمی‌توان نادیده گرفت. از آن‌جا که تماس من با مدیر محترم این مؤسسه، آقای جعفر همایی و سرکار خانم روش بوده است، نام آنان را به نمایندگی کارکنان این مؤسسه فرهنگی می‌آورم. افراد خانواده‌ام یاور همیشگی‌ام بوده‌اند. هیچ‌گاه نتوانسته‌ام پاسخ‌گوی مهربانی و یاری آن‌ها، به‌خصوص همسرم فرح صالحی، باشم. بدون پشتیبانی بزرگوارانی که نام برده‌ام، این دفتر سرانجام نمی‌گرفت. از همه آنان سپاسگزارم.

سهراب یزدانی

گروه تاریخ — دانشگاه خوارزمی

مهرماه ۱۳۸۹